



دوره ۴۸، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷
صفحات ۲۵۷ تا ۲۷۴

سیاست جنایی تقنینی - قضایی ایران در قبال جرائم جنسی علیه کودکان در پرتو اسناد بین‌المللی

امین جعفری *

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

علی مولاییگی

کارشناس ارشد حقوق کیفری اطفال و نوجوانان دانشگاه علامه طباطبائی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۴ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۱۲/۶)

چکیده

در میان بزه‌دیدگان، کودکان و نوجوانان بزه‌دیده به حمایت بیشتری نیاز دارند، زیرا کودکان به‌عنوان آینده‌سازان جامعه بشری از آسیب‌پذیرترین اعضای این جامعه محسوب می‌شوند. در میان این افراد به‌عنوان بزه‌دیده، بزه‌دیده جنسی با خطرهای بیشتری چون بزه‌دیدگی مکرر، بزهکاری در آینده، روی آوردن به روسپی‌گری، طرد از جامعه و محیط دوستان و انواع بیماری‌های مقاربتی روبه‌رو هستند. سؤال اصلی تحقیق پیش‌رو آن است که آیا قوانین و رویه قضایی ما نگاه افتراقی به کودکان بزه‌دیده جنسی دارند یا خیر؟ و روش تحقیق نیز حالت تحلیلی - توصیفی خواهد داشت. هدف نوشتار حاضر آن است تا در این راه با بیان رهنمودهای اسناد بین‌المللی، دفتر دادگاه بین‌المللی کیفری و همچنین دادگاه بین‌المللی رواندا به نقد، بررسی و اشاره به خلأهای جدی موجود در قوانین و رویه قضایی ایران بپردازد و بر لزوم اتخاذ سیاست‌های خاص جرم‌انگاری و به‌تبع آن کیفرانگاری حمایتی و تأکید اساسی بر سازوکار جبران خسارت‌های مادی، معنوی و روانی وارد بر کودکان اشاره کند. با توجه به یافته‌های بالا، باید گفت که کودکان بزه‌دیده این‌گونه جرائم، نیازمند حمایت بیشتری هستند و این حمایت‌ها به‌صورت حمایت‌های اولیه، ثانویه و بالینی می‌تواند در قالب سیاست‌های جنایی افتراقی تقنینی - قضایی تجلی کند.

واژگان کلیدی

جرائم جنسی، سیاست تقنینی، سیاست قضایی، سیاست جنایی افتراقی، کودکان بزه‌دیده.

مقدمه

نگاه به کودکی و نوجوانی مدت‌ها نگاه یک انسان بزرگسال به انسان کوچک بود، یعنی یک خردسال که بالقوه یک بزرگسال است و به این اعتبار باید مورد توجه قرار گیرد. این نگاه در پرتو تحولات اخلاقی، فلسفی، حقوقی و علمی به تدریج دگرگون شد، چنانکه امروزه کودک به اعتبار انسان بودنش صاحب کرامت و منزلت انسانی است و به خاطر آن باید از حق و تکالیف معین برخوردار باشد. این حقوق در سطح بین‌المللی از نیمه دوم سده بیستم به تدریج در اسناد عام و خاص حقوق بشری پیش‌بینی و احصا شد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۱۶). با این حال با گذشت سالیان زیاد از شکل‌گیری حقوق کودک چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی، همچنان موارد زیادی از آزار و اذیت کودکان مشاهده می‌شود. کودکان بسان شیء یا مال دیده می‌شوند و چون مستقل نبوده و وابسته به خانواده و جامعه‌اند، کرامت انسانی آنها پایمال می‌شود و همچنان آماج وسیعی از انواع جرائم قرار می‌گیرند (عباچی، ۱۳۸۴: ۱۷۱). یکی از این بزه‌دیدگی‌ها، بزه‌دیدگی جنسی به‌ویژه در دوران کودکی است. تحقیقات در این حوزه نشان می‌دهد که تجربه تعرض جنسی در کودکی یا نوجوانی به افزایش خطر بزه‌دیدگی جنسی در بزرگسالی منجر می‌شود و علاوه بر آن سبب شوک روانی شدیدی خواهد شد (کاتالینا م. اراتا و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۷۴). آثار ناشی از این بزه‌دیدگی شاید هرگز کاملاً ترمیم نشود و کودک مورد سوء استفاده، همواره نشانه‌هایی از بزه‌دیدگی را به‌همراه داشته باشد (خوشایی، ۱۳۸۲: ۱۳۸). علائمی همچون افسردگی، گرایش به خودکشی، کاهش اعتمادبه‌نفس، اعتیاد، پرهیز از برقراری ارتباط جنسی بعد از ازدواج در روابط آنها با دیگران دیده می‌شود (اسلامی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹). البته می‌توان علاوه بر آثار بالا به تأثیر آن بر بزه‌دیدگی آتی نیز اشاره کرد و بر همین اساس در بسیاری از پژوهش‌ها به نقش و تأثیر بزه‌دیدگی به‌ویژه بزه‌دیدگی دوران کودکی تأکید شده است (غلامی، ۱۳۹۰: ۱۴). به همین منظور، با توجه به اینکه کودکان سرمایه و منابع انسانی جامعه محسوب می‌شوند و پیشرفت یک جامعه علاوه بر منابع مناسب مالی به‌طور تنگاتنگی به کیفیت منابع موجود انسانی بستگی دارد و اگر این کار به‌درستی صورت نگیرد، شاهد پیامدهای زیانباری خواهیم بود که گاه جبران‌ناپذیر و گاه تنها به صرف هزینه‌های هنگفت کنترل‌شدنی است.

از مهم‌ترین عواقب سوء در چنین جامعه‌ای پدیده بزهکاری و بزه‌دیدگی مضاعف خواهد بود، از این‌رو نیازمند داشتن برنامه‌های مدون از سوی دولت‌ها برای جلوگیری از بزه‌دیدگی اولیه و بزه‌دیدگی ثانویه هستیم.^۱ اصولاً این راهکارهای حمایتی در قالب سیاست‌های تقنینی، قضایی و اجرایی اعمال می‌شوند.

پژوهش‌های پیشین در حوزه بزه‌دیدگی جنسی کودکان، توجه آنچنانی به رویه‌های قضایی نداشته و علاوه بر آن در حوزه سیاست‌های تقنینی با توجه به تصویب قانون مجازات اسلامی جدید

۱. چنین رویکردی در نگاه سعدی نیز موجود است. سعدی در باب هفتم بوستان، پدران را پند می‌دهد که مواظب فرزندان خود باشند تا به دام نظر بازان نیفتند (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۴۸).

نیازمند نگاهی دوباره به این موضوع هستیم.^۱ اهمیت این موضوع زمانی بیشتر خود را نشان می‌دهد که در سالیان اخیر شاهد فزونی یافتن این جرم علیه کودکان هستیم.^۲ در این مقاله برآنیم، علاوه بر اشاره به خلأهای عظیم قانونگذاری و رویه قضایی مان به اسناد بین‌المللی در این حوزه (که بعضاً ما نیز به آنها پیوسته‌ایم) توجه کنیم و یادآور شویم؛ «امروزه دولت‌ها نمی‌توانند به تعهدات بین‌المللی‌شان بی‌توجه باشند، زیرا پیامد این بی‌توجهی، دیدن آثار و خسارت‌های آن بوده که در قالب تحریم‌ها، منزوی شدن دولت و اختلال در اقتصاد کشور خود را نمایان می‌سازد» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۲۱).

از این رو در قسمت اول، با تأکید بر اسناد بین‌المللی با نگاهی تحلیلی - توصیفی به سیاست تقنینی مان در قبال کودکانی که بزه‌دیده جنسی به معنای خاص کلمه (به‌نحو مستقیم، فیزیکی و به‌صورت تماس بدنی موضوع التذاذ جنسی) قرار می‌گیرند، خواهیم داشت تا مشخص کنیم که آیا قانونگذار ایرانی همانند اسناد بین‌المللی نگاهی افتراقی به کودکان بزه‌دیده جنسی داشته است یا نه؟

در قسمت دوم با تأکید بر اسناد و رویه قضایی بین‌المللی، وضعیت حمایتی - قضایی در حوزه جلوگیری از بزه‌دیدگی مضاعف اطفال در ایران را مطالعه و اشاره خواهیم کرد که آیا رویه قضایی ما چنین حمایتی‌هایی را قبول کرده است یا خیر؟

۱. سیاست تقنینی ایران در قبال جرائم جنسی علیه اطفال با نگاه به اسناد بین‌المللی

سیاست به‌طور مختصر و ساده عبارت است از درک، تدبیر و اداره مسائل امور جامعه (لازرز: ۱۳۹۰: ۵۲). واژه جنایی نیز با توجه به ریشه یونانی آن به معنای جدا کردن، تفکیک کردن و سپس به معنای تشخیص دادن، قضاوت کردن و در معرض قضاوت قرار دادن است (اردبیلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۰). بنابراین سیاست جنایی یعنی اداره و مدیریت پدیده جنایی مرکب از بزه و انحراف که هسته اولیه

۱. با این حال می‌توان به کارهای صورت‌گرفته در زمان حاکمیت قانون مجازات اسلامی سابق اشاره کرد: الف) پایان‌نامه‌ای در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۸۹ با عنوان «سیاست تقنینی ایران در قبال جرائم جنسی علیه زنان و کودکان با نگرش به کنوانسیون‌های بین‌المللی» در دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری توسط آقای فرجی دفاع شده است. ب) بخش‌هایی از کتاب بزه‌دیدگی کودکان نوشته آقای جمال بیگی.

۲. برای نشان دادن اهمیت این موضوع می‌توان به رخدادهای به‌روزی همچون کیمیا دختر بچه هفت‌ساله کرجی، آتنا دختر بچه هفت‌ساله پارس‌آبادی و اخیراً نیز، در خمینی‌شهر به دختر بچه پنج‌ساله افغانی اشاره کرد: <http://fa.euronews.com/۰۲/۰۶/۲۰۱۸/iranian-authorities-confirmed-afghan-girl-abuse-in-khomeini-shahr-isfahan>.

این جرم متأسفانه در مدارس ما نیز در حال گسترش بوده و چنین رخدادی در حال وقوع است. برای نشان دادن بالا بودن میزان آن می‌توان از تجاوز به ۶ دانش‌آموز دبستانی در سال ۹۳، تجاوز مری ورزش به ۱۴ دانش‌آموز در جنوب تهران در سال ۹۵، ماجرای ندای ۹ ساله در زنجان و همچنین سال ۹۶ که رسوایی تجاوز به دختر بچه‌ای در ارومیه توسط سرایدار، سبب خسارت زیادی به آموزشگاه شد و اخیراً نیز قصه پرغصه مدرسه غیرانتفاعی معین و بهارانه سال ۹۷. این موارد به‌خصوص مورد آخر موجب شد تا وزیر آموزش و پرورش طی حکمی خواستار رسیدگی بازرسی ویژه وزارتخانه آموزش و پرورش در این خصوص شوند. برای اطلاعات بیشتر: <https://www.isna.ir/print/97030803934/>

آن حقوق کیفری عمومی است (دلماز - مارتی، ۱۳۹۳: ۴۷). در این میان سیاست جنایی تقنینی به‌عنوان نخستین لایه سیاست جنایی در یک دولت - جامعه قانون‌مدار، عبارت است از تدبیر و چاره‌اندیشی قانونگذار در مورد جرم و پاسخ به آن. با توجه به وابستگی سیاست جنایی به نظام سیاسی هر کشور ممکن است در زمان‌های مختلف حالت‌های مختلفی به خود بگیرد. سیاست جنایی تقنینی سلیقه قانونگذاران مختلف و انتخاب‌های آنان در انواع جرائم و مجازات‌ها و به‌طور کلی نحوه مقابله با پدیده‌های مجرمانه و دادرسی جرائم است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۱۶). از آنجا که یکی از افراد درگیر در فرایند دادرسی جنایی، بزه‌دیده است، «عدالت کیفری باید در تمام سطوح سیاست‌گذاری جنایی توجه به حقوق مادی و معنوی بزه‌دیده را مدنظر قرار دهد و طی تدابیر برنامه‌ریزی‌شده موقعیت حقوقی بزه‌دیده در فرایند کیفری مورد توجه قرار گیرد و نیازهای بایسته وی مرتفع شود» (شاهیده، ۱۳۹۳: ۲۶). پژوهش حاضر به دنبال بررسی این نکته است که آیا قانونگذار در زمینه جرائم حدی چنین رویکردی نسبت به کودکان دنبال کرده است یا خیر؟ در این خصوص دو نوع جرم را به‌طور خاص با رویکرد سیاست تقنینی در قبال جرائم جنسی بررسی می‌کنیم: تعرض جنسی نسبت به کودکان و آزار جنسی کودکان.

۱.۱. سیاست تقنینی ایران در قبال جرائم جنسی

چنانکه گفتیم عمده تمرکز قانونگذار ایران در قبال جرائم جنسی علیه کودکان بر دو محور تعرض و آزاری است که بر روی کودکان رخ می‌دهد.

۱.۱.۱. تعرض جنسی به کودکان

در تاریخ زندگی بشر، روابط جنسی گاه به‌صورت قانونی و مشروع صورت گرفته و عرف و عادت برای آن احترام قائل بوده و آن را امری عادی و حتی مقدس می‌دانسته است؛ اما این رابطه گاهی به‌صورت غیرقانونی و نامشروع صورت گرفته که برای حرمت نسل بشری و روابط خانوادگی، برای آن مجازات مقرر شده است (نوبهار، تهرانی، ۱۳۹۳: ۱۳). از منظر ادیان نیز، به‌منظور بقا و سلامت نسل آدمی و جلوگیری از تزلزل بنیان خانواده و ترویج فساد و فحشا در جوامع انسانی برای رفتار جنسی بشر محدودیت‌هایی پیش‌بینی شده است (قیاسی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۰). اگرچه از منظر جرم‌شناسی جرائم جنسی چون زنا و لواط اصطلاحاً جرائم بدون بزه‌دیده اطلاق می‌شود، با این حال این جرائم زمانی که علیه اطفال ارتکاب یابند، سیاست جنایی ایجاب می‌کند که از طفل قربانی حمایت صورت گیرد (بیگی، ۱۳۸۴: ۲۰۳).

دلیل چنین حمایتی این است که اطفال و نوجوانان به لحاظ روحی، روانی و جسمی در حال رشد هستند، شخصیت آنان در حال شکل‌گیری بوده و در جامعه به‌ویژه در برابر بزه‌دیدگی بیشتر از بزرگسالان آسیب‌پذیرند و علاوه بر آن کمتر می‌توانند منافع عالی خود را تشخیص دهند و به همین

سبب باید قوانین و مقررات ناظر بر بزهکاری و بزه‌دیدگی آنها جنبه افتراقی داشته باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴: ۲۴۷).

در میان جرائم جنسی، زنا از قبیح‌ترین اعمال منافی عفت و مختل‌کننده نسل بشری در نظام اجتماعی محسوب می‌شود. سزار بکاریا فیلسوف ایتالیایی نیز در شاهکار و اثر جاودانه خود یعنی رساله جرائم و مجازات‌ها منبع زنا را چنین می‌داند: «نیرو و محرکه آن از دو منبع تأمین می‌شود قوانین متغیر انسان‌ها و کشش نیرومندی که جنسی را به جنس مخالف می‌راند» (بکاریا، ۱۳۸۵: ۵۳).

در تعریف زنا با طفل گفته شده است که: «شخص مذکری اعم از بالغ و نابالغ که آلت تناسلی خود را به قدر حشفه در آلت تناسلی دختر صغیر داخل کند بدون وجود رابطه عقدی و بدون وجود تحلیل یا شبهه‌ای» (بیگی، ۱۳۸۴: ۲۱۱). از دیگر جرائم جنسی که علیه طفل رخ دهد، لواط و تفخیز است. فرق این دو در این است که در تفخیز صرفاً مالیدن آلت در میان ران‌های اوست بدون آنکه دخولی صورت گیرد؛ اما در لواط عمل دخول شرط است (بیگی، همان). در آخرین موردی که اطفال می‌توانند بزه‌دیده واقع شوند، عمل تقبیل است. تقبیل در لغت به معنای بوسیدن و بوسه دادن است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۳۵) و در معنای اصطلاحی، مراد شخص بزرگسالی است که طفلی را اعم از مذکر یا مؤنث از روی شهوت بیوسد (مستنبط از تبصره ماده ۲۳۷).

با نگاه به قانون مجازات اسلامی در باب حدود صرفاً به چهار ماده برمی‌خوریم که به جرائم جنسی در خصوص اطفال پرداخته است.

نخست- هر گاه طرفین یا یکی از آنها نابالغ باشد زنا محقق است. لیکن نابالغ مجازات نمی‌شود و حسب مورد به اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در کتاب اول این قانون، محکوم می‌گردد (تبصره ۲ ماده ۲۲۱).

دوم- در زنا با محارم نسبی و زنا محصنه چنانچه زانیه بالغ و زانی نابالغ باشد، مجازات زانیه فقط صد ضربه شلاق است (ماده ۲۲۸).

سوم- هر گاه کسی با زنی که راضی به زنا با او نباشد، در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند، رفتار او در حکم زنا به عنف است. در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود، نیز حکم فوق جاری است (تبصره ۲ ماده ۲۲۴).

چهارم- کسی که دو یا چند نابالغ را برای زنا یا لواط به هم برساند، مستوجب حد نیست، لکن به ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق و حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود (ماده ۲۴۴).

با نگاه به این مواد در راستای حمایت افتراقی از بزه‌دیده طفل اصولاً تفاوتی از لحاظ بزرگسال یا طفل بودن بزه‌دیده وجود ندارد و اینکه بزه‌دیده طفل یا بزرگسال باشد در مجازات بزهکار از لحاظ شدت گرفتن تفاوتی ایجاد نمی‌کند و حتی گاه برعکس، طفل بزه‌دیده موجب کاهش مجازات مرتکب بالغ می‌گردد.

۱. البته برخی بر این اعتقادند با توجه به اینکه روایاتی همانند «هر گاه پسری را از روی شهوت بیوسد، او را تعزیر ... می‌کنند» (مکی، ۱۳۷۴: ۲۳۳) که از لفظ پسر استفاده کرده است، پس بزه‌دیده این جرم باید طفل مذکر باشد (بیگی، ۱۳۸۴: ۲۱۱).

قانونگذار در ماده ۲۲۸ یا در زمینه کذف نابالغ و قوادی^۱ چنین برخوردی داشته است.^۲ در حال حاضر یکی از موارد محدود سیاست جنایی افتراقی در تبصره ۱ ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان (۱۳۸۳) است که ارتکاب جرائم موضوع این قانون علیه اشخاص زیر ۱۸ سال موجب افزایش مجازات مجرمان می‌شود.

انتقاد دیگری که می‌توان بدان اشاره کرد، این است که زناي مرد بالغ محصن یا غیرمحصنه با دختر صغیر در قانون مجازات اسلامی فعلی قید نشده است، درحالی‌که زناي زن محصنه با پسر صغیر برابر ماده ۲۲۸ همین قانون ذکر شده و برای آن صد تازیانه در نظر گرفته شده است. به عبارت دیگر اگر طفل را در جرم زنا بزه‌دیده قلمداد کنیم، از طفل مذکر در قبال مرتکب مؤنث بالغ توسط قانونگذار حمایت شده است، درحالی‌که از طفل مؤنث در قبال مرتکب مذکر بالغ حمایت خاصی صورت نگرفته است.

انتقاد دیگر بر ماده ۲۲۴ می‌تواند این مسئله باشد که قانونگذار تبصره ۲ ماده را به پیروی از نظریه‌های امام خمینی و شهیدین وضع کرده است که براساس آن در طفل غیرممیز، هیچ‌گونه رضایتی را قائل نشده‌اند و آن را به نوعی در حکم اکراه فرض کرده و چنانچه فردی نسبت به چنین طفلی مرتکب عمل منافی عفت شود، عملش را در حکم عتف و اکراه دانسته‌اند؛ اما نسبت به طفل ممیز امکان داشتن رضایت را قابل تحقق دانسته‌اند (به نقل از: بیگی، ۱۳۸۴: ۲۰۹)؛ بنابراین در حقوق ایران از نظر قوانین مدون فعلی، طفل ممیز از حیث امکان اکراه در عمل منافی عفت، همانند بزرگسال تلقی شده است.^۳

۲.۱.۱.۱. پدوفیلی (آزار جنسی کودکان)

پدوفیلی زشت‌ترین و جنجالی‌ترین مسئله مربوط به حقوق جزا به خصوص در جرائم علیه اطفال است. پدوفیلی (pedophilic) از ریشه pedophilia در حقوق روم که به معنای دوست

۱. برخی در نقد ماده ۲۴۴ نوشته‌اند:

«حتی اگر اعتقاد به این داشته باشیم که لواط یا زنا درباره نابالغ محقق نمی‌شود، باز می‌بایست نسبت به عمل قواد بالغ که با اراده و علم به پیامدهای زشت این عمل کودکان را گرد هم آورده، مجازات شدیدتری در نظر گرفته شود» (شاکری و عموی سیف کتی، ۱۳۹۵: ۲۰۵).

۲. از موارد دیگر تخفیفات و تبعیضات می‌توان به ماده ۸ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان اشاره کرد. در آن ماده مقرر شده اگر جرائم موضوع این قانون مشمول عناوین قانونی دیگر شود... حسب مورد حد شرعی اعمال خواهد شد؛ بنابراین ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی سابق (ماده ۳۰۸ قانون فعلی) که سلب حیات کودک توسط پدر و جد پدری را موجب قصاص نمی‌داند نیز مشمول آن می‌گردد که مخالف با روح قانون حمایت از کودکان و نوجوانان است؛ بنابراین قانونگذار باید در جهت همسان‌سازی سیاست‌های پیشگیرانه در این زمینه اقدام کند (عباچی، ۱۳۸۳: ۸۰).

۳. البته آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص تحقق یا عدم تحقق عتف در زناي با دختر صغیر هفت‌ساله چنین فتوا صادر کرده‌اند: «مجرد صغیر بودن مزنی بها، جهت شرعی برای تحقق عتف و اکراه از سوی زانی نیست و تا عتف شرعاً ثابت نشود، حد شرعی زانی غیر محصن همان جلد و تازیانه است» (معاونت آموزشی قوه قضاییه، ۱۳۸۷: ۸۱).

داشتن بچه بوده است، نشأت می‌گیرد (بیگی، ۱۳۸۴: ۲۱۳). در اصطلاح حقوقی نیز، به معنای سوء استفاده جنسی از اطفال تلقی می‌شود.

برخی صاحب‌نظران از پدوفیلی «به لذتی که یک شخص بزرگسال از داشتن روابط جنسی با کودکان اعم از پسر یا دختر می‌برد»، تعبیر نموده‌اند (نوری، ۱۳۷۹: ۲۶).

از میان انحراف‌های جنسی شناخته‌شده از نظر قانونی، بچه‌بازی یا آزار جنسی کودکان از سایر انحرافات شایع‌تر است.^۱

انحرافات جنسی^۲ به‌طور عمده بیماری مردها محسوب شده و یادگارخواهی تقریباً همیشه در مردها دیده شده است (ضیاءالدینی و همکاران: ۱۳۸۷: ۱۵۷). مرتکبان این جرم از نظر روابط خویشاوندی که با طفل بزه‌دیده دارند، به دو دسته بچه‌بازان درون خانوادگی و بچه‌بازان برون خانوادگی تقسیم می‌شوند.

از نظر روان‌شناسی جنایی نیز پدوفیلی یا بچه‌بازی نوعی اختلال روانی است که در نتیجه آن، فرد بیمار به‌جای برقراری رابطه عادی جنسی با جنس مخالف به سراغ دختران کم‌سن‌وسال و نوجوان می‌رود و میل جنسی خود را با تماس با آنها برطرف می‌کند (بیگی، ۱۳۸۴: ۲۱۴). البته این موضوع بیشتر به‌صورت نوازش آلت تناسلی صورت می‌گیرد که تماس با اعضای تناسلی کودک با دست یا تماس کودک با اعضای تناسلی بزرگسال را نیز شامل می‌شود. اگرچه فعالیت‌هایی مانند استمناء و عورت‌نمایی نیز قابل مشاهده است، ولی وجود رابطه تناسلی به‌ندرت گزارش می‌شود (دادستان، ۱۳۸۹: ۲۳۳). جرم پدوفیلی در کشور ما در اصطلاح عامیانه به بچه‌بازی معروف شده و متأسفانه از نظر قانون صراحتاً جرمی به این عنوان پیش‌بینی نشده است و لذا از این حیث حمایت

۱. گویا شیوع آن در ایران جنبه‌های تاریخی هم داشته است. برای مثال در مقامات حمیدی، مقامه هفتم (مناظره بین بچه‌باز و زن‌باز) می‌باشد که در آن هر یک می‌کوشند تا عمل خود را بر دیگری رجحان دهند. این مناظره نشان می‌دهد که بچه‌بازی تا چه حدی در قرن ششم رواج عینی داشته است (شمیسا، ۱۳۸۱: ۸۸). یا در مثنوی مولانا نیز انعکاسی از آن را می‌توان دید و به‌خوبی پیداست، غالب صوفیان بدان عادت مذموم گرایش‌هایی داشته‌اند و به این صورت مولانا آن را ذکر می‌کند: هست صوفی آن که شد صفوت طلب / نه از لباس صوف و خیاطی و دب / صوفی گشته به پیش این لیام / الخیاطه و اللواطه و السلام (مولانا، ۱۳۷۴: ۷۱۹). ظاهراً مراد از خیاطه چاک زدن پیراهن در وجه و سماع و رقص است. در آثار سعدی نیز به‌نظر می‌رسد، خود او از طرفداران رخ زیبا بوده و از آن حظ روحانی می‌برده است، چنانکه می‌گوید: جماعتی که ندانند حظ روحانی / تفاوتی که میان دواب و انسان است. لذا گاهی در معرض اتهام نیز قرار می‌گرفت چنانکه در بیت بعد آیه قرآن را می‌آورد، مبنی بر اینکه انسان جایز الخطاست: ما ابری نفسی و لا ازکیها / که هرچه نقل کنند از بشر در امکان است (سعدی، ۱۳۷۲: ۷۰۴).

عجیب آن است که سعدی در باب هفتم بوستان در مقام یک معلم اخلاق شاهدبازی را نفی و پدران را به توجه بیشتر به کودکان توصیه می‌کند:

پسر چون ز ده بر گذشتش سنین / ز نامحرمان گو فراتر نشین ... (سعدی، ۱۳۷۲: ۳۶۶)

با این حال هدف از ذکر این ابیات شاهد آوردن تاریخی است و در مقام قضاوت بزرگان و مفاخر فرهنگی نیستیم.

۲. مرادمان از انحرافات جنسی، ناپهنجاریهایی همانند بچه‌بازی، مالش‌گری، تماشاگری جنسی، عورت‌نمایی؛ آزارگری جنسی، یادگارخواهی، مبدل‌پوشی و یا ناهنجاری‌های که اختصاصی نیستند، مثل حیوان‌خواهی و خودآزاری است. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رک:

خاصی وجود ندارد. البته به نظر می‌رسد بتوان موضوع را تحت عنوان دیگری قالب‌ریزی کرد که خوشبختانه با وجود ماده ۲۳۷ قانون مجازات اسلامی می‌توان مرتکبان این جرم را مجازات کرد.^۱ با این حال ایراد مزبور به اینکه حمایت ویژه از کودکان وجود ندارد، همچنان به قوت خود باقی است. در کشورهای دیگر قوانین سختی در این خصوص وجود دارد. برای مثال قانونگذار انگلستان در مواد ۳ و ۷ قانون جرائم جنسی ۲۰۰۳ به‌طور اختصاصی به این جرم پرداخته و رویکرد مناسبی را اتخاذ کرده است. به موجب ماده ۳ اگر شخص، اعم از زن و مرد به عمد یک تماس فیزیکی با دیگری، اعم از زن و مرد برقرار کند و به عبارت دیگر، او را لمس کند و این تماس یا لمس نمودن دارای ماهیت جنسی بوده و طرف مقابل به این تماس رضایت نداشته باشد و مرتکب نیز به شکل موجه و معقول باور نداشته باشد که بزه‌دیده رضایت ندارد، مرتکب به جرم تعرض جنسی شده است.

همچنین به موجب ماده ۷ منظور از ماهیت جنسی تماس یا لمس فیزیکی، هر گونه تماسی است که از طرف یک انسان می‌تواند رخ دهد. رفتار مجرمانه این جرم شامل هر گونه تماس جنسی اکراهی است که از مالش‌گری در خیابان، تا بوسیدن به عنف و اعمالی نظیر تفریح و مساحقه و ... را شامل می‌شود. به موجب ماده ۷ اگر فرد مزبور طفل زیر ۱۳ سال باشد، در صورتی که آن عمل عامدانه صورت گیرد، منجر به محکومیت مرتکب به حداکثر ۱۴ سال حبس می‌شود. در واقع سن بزه‌دیده برخلاف آنچه در خصوص تفریح، مساحقه و تقبیل و ... در ایران گفته شد، موجب تشدید مجازات مرتکب می‌شود و حتی به موجب بند ۳ ماده ۹، اعمال علیه یک طفل زیر ۱۶ سال نیز با شرایطی قابل مجازات تا ۱۴ سال دارد (نوبهار، ۱۳۹۳: ۲۶۹).

۲. ۱. جرائم جنسی علیه کودکان با نگاه به اسناد بین‌المللی

هنجارهایی علیه کاربرد تجاوز جنسی از مدت‌های مدید نه‌تنها در حقوق داخلی بلکه در عرف و حقوق بین‌الملل مقرر شده‌اند. تحولات این هنجارها ردپای تاریخی نیز داشته است. توتیلا دی استروگوس^۲ (پادشاه استروگوت‌ها) که روم را در سال ۵۴۶ قبل از میلاد تصرف کرد، به سربازان خود اجازه تجاوز به زنان رومی را نداد (خاک، ۱۳۸۷: ۱۰۲). یا زمانی که شاپور دوم ساسانی به روم لشکر کشید، به سربازان خود اجازه تجاوز و تعدی به زنان و کودکان را نداد، این موضوع مورد توجه مارسلینوس^۳ (سیاح و مورخ رومی) قرار گرفته و او نتوانسته آن را نادیده انگارد و حتی این را از خصوصیات ایرانیان دانسته است (خنجی، ۱۳۹۲: ۸۲۳ - ۸۲۲). جنبش حمایت از بزه‌دیدگان در سه دهه گذشته فرایندی را طی کرده است که در یک‌سوی آن شناسایی حقوق بزه‌دیدگان و تضمین این حقوق به صورت عام و در سوی دیگر آن پیش‌بینی سازوکارهای حمایت از قربانیان جرائم خاص

۱. ماده ۲۳۷ قانون مجازات اسلامی: «همجنس‌گرایی انسان مذکر در غیر از لواط و تفریح از قبیل تقبیل و ملامسه از روی شهوت، موجب سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش است».

2. Totila the Ostrogoth
3. Ammianus Marcellinus

نظیر شکنجه، قاچاق انسان و تجاوز جنسی و گروه‌های خاص آسیب‌پذیر مانند زنان، سالمندان، کودکان و ... را طی کرده و در نظام بین‌المللی حقوق بشر، موجب جهان‌شمولی اصل حمایت ویژه از کودکان شده است (زینالی، ۱۳۹۵: ۹۰). در قوانین بین‌المللی خاص که در حوزه حقوق کودکان مطرح شده، می‌توان به برخی از این اسناد اشاره کرد که به مسئله کودکان بزه‌دیده جرایم جنسی توجه نموده و به تبع آن، این گروه از بزه‌دیدگان را نیازمند حمایت ویژه و افتراقی دانسته است:

الف) اعلامیه حقوق کودک

این اعلامیه به وسیله مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹ به تصویب رسید و در آن بر وجوب حمایت ویژه از کودک تأکید شد (رنوچی و کورتن، ۱۳۹۵: ۵۰). با اینکه در این اعلامیه به صراحت از جرم جنسی نام برده نشده، می‌توان این جرم را مشمول ماده ۹ دانست.^۱

ب) کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک

گسترش حمایت از حقوق کودکان در دهه ۱۹۸۰، در سال ۱۹۸۹ به امضای عهدنامه قانونی الزام‌آوری انجامید. این معاهده در مقایسه با هر معاهده دیگر به تصویب بیشترین دولت‌های عضو سازمان ملل متحد رسیده است (کلانتری و نصرالهی، ۱۳۹۵: ۱۷۹). موضوع جرایم جنسی علیه کودکان در کنوانسیون حقوق کودک نیز مورد توجه قرار گرفته و در ماده ۳۴ از کشورهای عضو خواسته شده تا بیشتر از کودکان در قبال سوءاستفاده‌ها و استثمارهای جنسی علیه کودکان حمایت کنند. با توجه به اطلاق استثمار جنسی به نظر می‌رسد، بتوان پدوفیلی را نیز در شمار موارد مورد نظر این ماده به‌شمار آورد. در ماده ۱۹ همین کنوانسیون از کشورهای عضو خواسته شده که اقدامات قانونی، اجرایی، آموزشی لازم را به اجرا درآورند تا از کودک در برابر اشکال خشونت جسمی یا روانی، صدمه یا آزار که یکی از آنها را آزار جنسی، در حین مراقبت والدین یا سرپرستان قانونی یا هر شخص دیگری که عهده‌دار مراقبت از کودک است، حمایت کنند.

ج) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

این کنوانسیون که در سال ۱۹۸۰ امضا شد و در سال ۱۹۸۳ به مرحله اجرا درآمد، در قلمرو حقوق کیفری کودکان و نوجوانان راه‌حل‌های جالب توجهی را به‌ویژه در خصوص مشکلات حساس مربوط به ربودن کودکان و نوجوانان را در سطح بین‌المللی مورد اشاره قرار داده است (رنوچی و کورتن، ۱۳۹۵: ۵۲). اگرچه به‌طور مستقیم از جرم جنسی یاد نکرده است، با توجه به اشاره آن به حمایت از کودک در مقابل بدرفتاری‌های جسمانی یا اخلاقی می‌توان غیرمستقیم به این مورد هم اشاره کرد.

۱. کودک باید در برابر هر گونه غفلت، ظلم، شقاوت و استثمار حمایت شود. کودک نباید به هر شکلی وسیله مبادله قرار گیرد. کودک نباید قبل از رسیدن به حداقل سن مناسب به استخدام درآید و نباید به‌هیچ‌وجه امکان و یا اجازه استخدام کودک در کارهایی داده شود که به سلامت یا آموزش وی لطمه زده یا سبب اختلال رشد بدنی، فکری یا اخلاقی وی گردد.

د) پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در خصوص حقوق کودکان، روسپیگری و هرزه‌نگاری کودک:

این پروتکل اختیاری برای دستیابی بیشتر به اهداف پیمان‌نامه حقوق کودک و اجرای مفاد آن، در فوریه ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شد که علاوه بر خودفروشی کودکان (جرم جنسی به معنای خاص) در ماده ۱، از جرائمی دیگر که به نوعی مرتبط و تسهیل‌کننده جرم جنسی به معنای خاص هستند، یاد می‌کند و در مواد ۱۷ گانه خود، علاوه بر تعریف آنان در ماده ۲، در مواد دیگر از کشورها خواسته است که این جرائم را وارد قوانین خود کرده (ماده ۳) و چنین جرائمی را جزء جرائم قابل استرداد قلمداد کنند (ماده ۵). حتی نسبت به ضبط و مصادره دارایی‌ها، ابزارهای تسهیل‌کننده، درآمدهای حاصل‌شده و مکان‌هایی که برای این جرائم در نظر می‌گیرند، اقدام نمایند (ماده ۷).

در ماده ۸ به آسیب‌پذیری کودکان بزه‌دیده جرائم جنسی اشاره و از کشورها خواسته شده تا کودکان را از حقوق ویژه‌شان مطلع سازند، اجازه ابراز نظر و گفتن نیازها و نگرانی‌هایشان را به آنها بدهند، حمایت‌های پشتیبانی مناسب از آنها در تمام جریان دادرسی داشته باشند و به حمایت از هویت و امنیت کودکان قربانی و ... اقدام کنند.

به نظر می‌رسد، با توجه به آنکه مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۲ اجازه الحاق به کنوانسیون حقوق کودک و همچنین در سال ۱۳۸۶ به پروتکل اختیاری را صادر کرده و موجب تبدیل شدن آن به قانون عادی شده است، باید ایرادهای واردشده به قانونگذار ایرانی را طبق کنوانسیون حقوق کودک برطرف کرد. برای مثال تبعیض در حقوق طبق ماده ۱-۲ کنوانسیون منع شده است، پس باید تبعیض میان دختر و پسر قید شده در ماده ۲۲۸ قانون مجازات اسلامی برداشته شود.

همچنین کودکان هرچند رضایت داشته باشند، با توجه به عدم شکل‌گیری شخصیت کامل فرد و عدم سنجش درست در تشخیص منافع عالی و فراتر از آن فقدان اراده وفق ماده ۱-۳ کنوانسیون حقوق کودک مبنی بر رعایت منافع عالی کودکان، رضایت آنها را نباید رضایتی صحیح و نافذ تلقی کرد و موارد حمایتی در این خصوص را باید افزایش داد.

پس از بررسی سیاست تقنینی ایران در برابر جرائم جنسی علیه کودکان، نوبت به بررسی سیاست قضایی ایران با نگاه به رویه‌های بین‌المللی در بزهکاری جنسی علیه کودکان می‌رسد.

۲. سیاست قضایی در قبال جرائم جنسی علیه کودکان با تأکید بر رویه و اسناد

داخلی و بین‌المللی

سیاست جنایی قضایی در مفهوم محدود و مضیقش در برگیرنده سیاست جنایی است که انعکاس‌یافته در تصمیم‌های آرا و رویه قضایی است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴: ۲۶۱). گفتمان سیاست جنایی تقنینی در همه زمینه‌ها و ابعاد در قوه قضاییه، دادرها و دادگاه‌ها یکسان دریافت و اجرا نمی‌شود؛ بلکه مراجع قضایی می‌توانند هر یک دریافت متفاوتی از آن داشته باشند (لارز، ۱۳۹۰: ۱۲۱).

از آنجا که در زمینه جبران خسارت نیز، قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحیه ۱۳۹۴ در ماده ۱۴ صحبت از زیان مادی، معنوی و منافع ممکن‌الحصول کرده است، این سؤال مطرح می‌شود که آیا این موارد به‌تمامی می‌توانند خسارات جرائم جنسی را نیز مرتفع سازند؟ در این صورت قضات ایران چگونه عمل می‌کنند؟ علاوه بر آن دیوان بین‌المللی کیفری در بُعد بین‌المللی چگونه در این زمینه برخورد و رسیدگی کرده است؟ آیا همان‌گونه که در فرایند رسیدگی به بزهکاری کودکان سیاست افتراقی را پذیرفتیم؛ برای کودکان بزه‌دیده نیز چنین معیارهای حمایتی افتراقی را در نظر گرفته‌ایم؟

برای پاسخ به پرسش‌های طرح‌شده، نخست سیاست قضایی در قبال جرائم جنسی علیه کودکان در دادگاه‌های بین‌المللی را بررسی می‌کنیم و سپس به مطالعه سیاست قضایی ایران می‌پردازیم.

۱.۲. سیاست قضایی در قبال جرائم جنسی علیه کودکان در دادگاه‌های بین‌المللی

در بزه‌دیده‌شناسی حمایتی آن‌گونه که مطرح شده، حمایت‌های معنوی، عاطفی، مادی و روانی از بزه‌دیده مطرح است؛ یعنی فرد بزه‌دیده با تحمل جرم آرامش روانی خود را از دست داده است و با مجازات صرف مرتکب التیام نمی‌یابد، بلکه به مراقبت و درمان‌های روانی نیاز داشته تا به وضعیت قبل از التیام و آثار آن برگردد. مثلاً در تجاوز به عنف، بزه‌دیده علاوه بر خسارت مادی، خسارت روانی شدیدی را تحمل می‌کند که برای التیام مراقبت طولانی‌مدت لازم است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹: ۱۳۱). در نظام عدالت کیفری، بزه‌دیدگان احساس می‌کنند که فراموش شده‌اند و مورد مسامحه و غفلت قرار گرفته‌اند یا حتی توسط دستگاه عدالت کیفری در حقوق آنان تعدی شده یا حتی حس می‌کنند که کنترل بر اموال، جسم، احساسات، تفکر و آرزوهایشان را در نتیجه تحمل بزه از دست دادند^۱ (زهر، ۱۳۸۸: ۴۴).

چنین رویکردی موجب شده است که کشورها رویه خود را تغییر دهند. برای مثال در تونس برای طفل بزه‌دیده، اقدامات حمایتی - قضایی غالباً آموزشی و پزشکی صورت می‌گیرد یا در آمریکا در مورد کودک‌آزاری ضمانت اجرایی، اجتماعی، حمایتی و رفاهی برای حفظ کودک در محیط خانواده یا در خارج از آن پیش‌بینی و اجرا می‌کنند (زینالی، ۱۳۹۲: ۱۰۶). چنین امری موجب ایجاد فرایند کیفری خاص، لااقل در حوزه اطفال در برخی کشورها تحت عنوان عدالت ترمیمی برای حمایت بیشتر از بزه‌دیده شده است (مک‌رای و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۸).^۲ گسترش چنین موضوعی بین کشورها موجب شد که در سال ۲۰۰۵ در کنگره پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل متحد که در وین اتریش برگزار شد، از عدالت ترمیمی به‌عنوان یکی از راه‌های اصلاح نظام عدالت کیفری یاد شود. این در حالی است که صرفاً حدود ۲۵ سال از ظهور عدالت ترمیمی می‌گذرد. با

۱. حتی این موضوع در زمینه بزهکاران نیز مطرح است که بی‌توجهی به شخصیت آنان ممکن است تأثیر نامطلوبی بر روند اصلاح و باز اجتماعی شدن آنها بگذارد و روحیه انتقام‌جویی از جامعه را در نهاد آنها بدمد (خالقی، ۱۳۹۴: ۷۴).
 ۲. برای آگاهی بیشتر رک: مهرا، ۱۳۸۳: ص ۱۵۹ به بعد.

این حال این پارادایم در سطح جهانی از مهم‌ترین الگوهای تغییر و تحرک در عدالت کیفری سنتی بوده است (غلامی، ۱۳۹۳: ۲۱۹).

تجاوز جنسی برای اولین بار در ماده ۲ (C) قانون شماره ۱۰ شورای کنترل متفقین^۱، به‌عنوان جرمی علیه بشریت شناخته شد. در سال ۱۹۹۳ بر اثر گزارش‌های مبتنی بر ارتکاب تجاوزات جنسی گسترده یا سازمان‌یافته در قلمرو یوگسلاوی سابق، مجمع عمومی سازمان ملل مجدداً تأکید کرد که ارتکاب تجاوز جنسی در شرایط خاص، جرم علیه بشریت محسوب می‌شود (علامه، ۱۳۸۵: ۱۶۰). در دادگاه‌های رواندا در رأی T-۴-۹۶ مورخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۹۸، علیه اکایسو صادر شده از سوی شعبه اول، تجاوز جنسی را با عنوان یکی از جنایات علیه بشریت به متهم نسبت داده است (علامه، ۱۳۸۵: ۱۶۱)، حتی این رأی از لحاظ دیگری نیز دارای اهمیت است:

اول، هر جایی که شرایط اجباری بتواند برقرار شود، رضایت به‌عنوان دفاعیه‌ای برای تجاوز جنسی طبق حقوق بین‌الملل کنار گذاشته می‌شود. شرایط اجباری لازم نیست به‌وسیله نمایش اجبار فیزیکی اثبات شود، بلکه تهدید، ارباب، اخاذی و سایر اشکال اجبار که همراه با ترس یا استیصال باشد، می‌تواند اجبار را تشکیل دهد.

دوم، تعریف دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا شامل تجاوزات جنسی نسبت به هر شخصی اعم از زن، مرد یا کودک می‌گردد.

سوم، این تعریف دربردارنده هر گونه دخول فیزیکی به ارگان‌های بدن حتی به‌وسیله شیء خارجی نیز است. این تعریف مشتمل بر تجاوزات جنسی با اشیای خارجی همچون یک تکه چوب نیز است. به‌عبارت دیگر این جنایت ممکن است، همراه با نزدیکی و آمیزش جنسی باشد، ولی این امر ضروری نیست (خاک، ۱۳۸۷: ۱۱۵). این موضوع در اساسنامه روم در سال ۱۹۹۸ به‌گونه‌ای دیگر آمده است: اعمالی مانند تجاوز جنسی، به بردگی گرفتن یا کلیه اشکال خشونت و سوء استفاده جنسی را از مصادیق جنایت علیه بشریت عنوان کرده است.^۲

دیوان بین‌المللی کیفری صلاحیت رسیدگی به جرائم کودکان زیر ۱۸ سال را در صورتی که متهم به جرم و جنایتی شوند، ندارد. دلیل چنین موضوعی این است که کمیسیون تصمیم گرفته است تا اشخاص زیر ۱۸ سال را از صلاحیت دیوان حذف کند. با این حال نقش کودکان در فرایند رسیدگی در ICC محدود به کودک بزه‌دیده یا شاهد جرم بوده و در این زمینه می‌توان به سه نوع مقرر در اساسنامه روم و اسناد همراه آن اشاره کرد که مربوط به کودکان بزه‌دیده است. نخست -

۱. شورای کنترل متفقین یا متفقین کنترل قدرت اشاره به قدرت چهار عضو خود یعنی آمریکا، شوروی، بریتانیا و فرانسه دارد. این شورا بعد از جنگ جهانی دوم در برلین - شونبرگ ایجاد شد و هدف از ایجاد آن بازسازی آلمان، پرداخت غرامت و پیگرد جنایتکاران جنگی بوده است.

برای اطلاعات بیشتر ر.ک:

-[http://www.google.com/url?q=http://www.warhistoryfans.com/theallied-control-council-](http://www.google.com/url?q=http://www.warhistoryfans.com/theallied-control-council-151.html&sa=U&ved=0ahUKEwjk-Mvn-KHUAhXhalAKHbpvC7AQFggNMAg&usq=AFQjCNGsq350ygh5pEtVIALCnguDfmGIRQ)

151.html&sa=U&ved=0ahUKEwjk-Mvn-

KHUAhXhalAKHbpvC7AQFggNMAg&usq=AFQjCNGsq350ygh5pEtVIALCnguDfmGIRQ

2. Rome statute of the international criminal court' 1998.art7(1)g

موضوع جنایت علیه کودکان؛ دوم- اقدامات ویژه برای محافظت از آنان؛ سوم - آشنایی کارکنان و قضات درباره مسائل مربوط به کودکان بزه دیده (Unicef,2002:71).

دیوان هنگام صدور رأی، در زمینه پرداخت غرامت به اینکه خشونت جنسی علاوه بر ناراحتی‌های روانی و تروما، دارای پیامدهای اجتماعی و اقتصادی بلندمدت نیز است، توجه دارد؛ زیرا تحقیقات نشان داده است زمانی که بهره‌برداری جنسی از زنان و دختران صورت گرفته یا آنها مجبور به فحشا شدند یا ممکن است توسط خانواده‌هایشان طرد شوند یا قادر نباشند دیگر ازدواج کنند و حتی ممکن است به تن‌فروشی به‌عنوان ابزاری برای بقا رو بیاورند. آنها ممکن است حامله شوند یا در معرض بیماری‌های مراقبتی و واگیردار قرار گیرند و نیازمند مراقبت و درمان باشند (Unicef,2002:80).

دیوان بین‌المللی کیفری برای اولین بار در نوع خود به جنسیت کودکان ملاحظه و توجه کرده است و ساختار خود را براساس آن تغییر داده و در حال حاضر دادگاه دارای تعداد زیادی قضات زن بوده و بسیاری از قضات نیز آگاه و متخصص در مسائل جنسیتی هستند. علاوه بر آن مشاوران ویژه در مسائل جنسی داشته و اگر لازم باشد دادگاه پیش‌بینی کار با کارشناسان خارجی را نیز در نظر گرفته است (Bergsmo, 2012: 162).

دفتر دادگاه^۱ می‌داند که کودکان یک گروه همگن نیستند و میزان آسیب‌پذیری، ظرفیت و انعطاف‌پذیری هر کودک متفاوت است. دفتر به‌طور فزاینده‌ای در پی فرصت‌های مشارکت مؤثر و مناسب برای رسیدگی بهتر و پویاتر است و براساس همین رویکرد با توجه به بهترین منافع کودکان در ارزیابی و تصمیم‌گیری‌اش به مسائل عاطفی، امنیتی زنان نیز توجه می‌کند (international criminal court,2016:15).

در کنار تدابیر حفاظتی و امنیتی نسبت به بزه‌دیدگان و شاهدان، این وظیفه نیز وجود دارد که برای ارائه مشاوره و سایر راه‌های مناسب تخصصی، مانند مددکاری اجتماعی، مراقبت‌های بهداشتی، روان‌شناسی، آشنایی با حقوق و غیره صورت پذیرد. این موارد به‌ویژه در جرائم جنسی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد (international criminal court,2016:84).

۲.۲. سیاست قضایی در قبال جرائم جنسی در محاکم ایرانی

با مطالعه رویه قضایی ایران متوجه می‌شویم که اصولاً به عنصر بزه‌دیده به معنای اینکه صدمه روانی و روحی بر او وارد شده است، توجه نمی‌شود و صرفاً به مجازات بزه‌کار اکتفا می‌گردد. برای مثال شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور، در خصوص عمل لواط بر روی طفل نه ساله درحالی که گواهی پزشکی دلالت بر رخ دادن چنین فعلی بر روی او دارد، اما دیوان رأی دادگاه را به‌خاطر اقرار نکردن

۱. طبق ماده ۳۴ اساسنامه دیوان، این نهاد از چهار رکن: الف) ریاست، ب) بخش استیناف، محاکمه و پیش‌محاکمه، ج) اداره دادستانی و د) دفتر دیوان تشکیل شده است. دفتر دیوان از یک مدیر، یک معاون و به تعداد لازم کارمند تشکیل شده است. دفتر دیوان وظیفه پیگیری مسائل غیرقضایی و اداری دیوان را بر عهده خواهد داشت. مدیر دفتر، با رای اکثریت مطلق و مخفی قضات دیوان، به مدت پنج سال انتخاب خواهد شد. البته قضات قبل از انتخاب مدیر دفتر باید توصیه‌های دولت‌های عضو را مدنظر قرار بدهند (دفتر مطالعات سیاسی و اجتماعی، ۱۳۷۷: ۱۶۷-۱۶۶).

در چهار بار، توسط اقرارکننده نقض می‌کند. بدون آنکه نسبت به طفل بزه‌دیده نگاهی درمانی و روانی داشته باشد (برای شرح پرونده ر.ک: بازگیر، ۱۳۷۸:۳۵۰). البته در گذر زمان می‌توان مشاهده کرد که گویا اندک اندک جهت‌گیری قضات به این سمت که مسئله آزار و صدمه روحی و روانی بر طفل می‌توان وارد شود، رفته است.

در پرونده‌ای که مادر فرزند را در محل کار پدر رها کرده است، شاکي (پدر) بر این اعتقاد است که صدمه روحی و روانی بر فرزندش وارد شده است. اگرچه این موضوع در دادگاه رد می‌شود، دلیل آن صرفاً عدم صدق عنوان آزار و اذیت روحی و روانی بر آن عمل عنوان شده است (برای شرح موضوع، ر.ک: مجموعه آرای قضایی، ۱۳۹۳:۵۷). از این رو می‌توان انتظار داشت در آینده شاهد پذیرش این موضوع همانند پذیرش خسارت معنوی در پرونده خون‌های آلوده باشیم.

به نظر می‌رسد قضات می‌توانند براساس اطلاق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، نسبت به صدمه به جان، مال، آزادی، حیثیت، شهرت و سلامت که موجب ضرر مادی یا معنوی می‌شود، حکم در جهت بزه‌دیده در موضوع مطرح شده صادر کنند، زیرا می‌توان استدلال کرد که سلامت هم می‌تواند جسمی باشد هم روحی و روانی. در این صورت باید کلمه معنوی را در معنای عام خود گرفت تا شامل صدمه روانی هم شود.

به نظر می‌رسد پذیرش رویکردی ترمیمی محور در خصوص اطفال موجب شود که خسارت وارد شده بر طفل بزه‌دیده بیشتر و بهتر تأمین شود. در اینکه آیا در ایران نیز می‌توان به سوی عدالت ترمیمی رفت یا نه پاسخ روشنی وجود ندارد، زیرا مراجع و منابع مؤثر در سیاستگذاری تقنینی در ایران علاوه بر تفاوت‌های اساسی در مبانی نظری، در روش‌های کشف، ضرورت یا عدم ضرورت تغییر و تحول؛ ثبات و ایستایی دارند که نه تنها فرایند تغییر را بسیار طولانی خواهند ساخت، بلکه مسیر و حتی هدف آن را نیز غیر قابل پیش‌بینی می‌کند (غلامی، ۱۳۹۳:۲۱۵).

امید است که در زمینه بزه‌دیدگان، به خصوص اطفال بزه‌دیده با توجه به آنکه اگر خسارت به‌تمامی جبران نشود، امکان بزه‌دیدگی مجدد و حتی بزهکاری این افراد در آینده وجود دارد، توجه بیشتری به آنان شود. به این منظور با تغییر رویه و جهت‌گیری قضات خواهیم توانست در تغییر سیاست تقنینی قانونگذار نیز تأثیرگذار باشیم، زیرا در پرونده خون‌های آلوده^۱ نیز خسارت معنوی در سال ۱۳۸۸ توسط رویه قضایی وارد جرگه عدالت کیفری شد و بعدها موجب گردید که قانونگذار در سال ۱۳۹۲ خسارت معنوی را وارد قانون آیین دادرسی کیفری کند.

۱. پرونده خون‌های آلوده به یک پرونده قضایی در ایران اشاره دارد که رسیدگی به آن از ۲۷ خرداد ۱۳۷۳ توسط کمیسیون اصل ۹۰ مجلس و از سال ۱۳۷۶ توسط مراجع قضایی ایران آغاز شده و تاکنون به درازا کشیده و رسیدگی به ۶۰۰ پرونده از این قضیه هم‌اکنون متوقف است. در سال ۱۳۸۳ نیز دادگاه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان انتقال خون ایران را در این مورد محکوم کرد. برای اطلاعات بیشتر در این خصوص ر.ک:

نتیجه

توجه به مسائل کودکان و نوجوان به‌ویژه در کشورهایی مانند ایران که از ترکیب جمعیتی جوان بهره‌مند است، به دلایل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و به‌ویژه از دیدگاه حقوق کیفری اهمیت بسیاری دارد، زیرا این افراد با توجه به وضعیت فیزیولوژیکی خاص و به‌علت قدرت جسمانی ضعیف و همچنین ناپختگی دماغی در معرض خطر بزهکاری و از سوی دیگر بزه‌دیدگی قرار دارند.

در این پژوهش با اشاره به رویکرد جنسی علیه کودکان تلاش کردیم، نشان دهیم که بزه‌دیدگی نیز همانند بزهکاری باید در عرصه سیاستگذاری جنایی مورد تأکید قرار گیرد، زیرا تنها بزهکاری نیست که هزینه‌های اجتماعی، اقتصادی فراوانی را ایجاد می‌کند، بلکه بزه‌دیدگی نیز بخش عظیمی از ظرفیت‌ها و هزینه‌های کنشگران دستگاه قضایی و عدالت را به خود اختصاص داده است.

با مطالعه سیاست تقنینی ایران در قبال جرائم جنسی علیه کودکان با رویکردی مقایسه‌ای با کنوانسیون‌ها و قوانین بین‌المللی و با توجه به اصل لزوم رعایت منافع عالی کودکان به‌عنوان اقشار آسیب‌پذیر اجتماعی آشکار شد که قوانین ایران بعضاً در این زمینه دارای خلأهای جدی است؛ درحالی‌که پژوهش‌های پیشین (قبل از قانون ۱۳۹۲) دلالت بر این خلأها داشته و امید می‌رفت که قانون جدید در زمینه جرائم حدی با نگاه بر پژوهش‌های قبلی چنین نگاه افتراقی را نسبت به کودکان بزه‌دیده داشته باشد، اما همچنان بسیاری از این خلأها موجود و یا حتی به آنها اضافه شده است.

از سوی دیگر با توجه به اینکه در فرایند جهانی شدن، اصل حمایت ویژه از کودکان نقش مهمی را ایفا می‌کند، بدین‌سان دولت‌ها با توجه به تعهدات بین‌المللی‌شان در زمینه هماهنگی نظام حقوقی داخل با معیارهای مقرر در اسناد حقوق بشر در سطوح مختلف، اصل حمایت کیفری ویژه از کودکان را در نظام حقوق کیفری خود وارد کرده‌اند که این خود ضرورت داشتن مقررات جامع، واحد و یکپارچه در این زمینه را توجیه می‌کند.

از بعد جبران خسارت و بحث جلوگیری از بزه‌دیدگی مکرر در روند قضایی و اجرایی نیز رویه قضایی ایران نشان می‌دهد که رویه و قانون خاصی برای پیشگیری از بزه‌دیدگی مکرر بزه‌دیدگان اولیه وجود ندارد و برای برطرف کردن این معضل نیازمند ارتقای آگاهی نهادهای مسئول در توجه به آثار بزه‌دیدگی، توانمندسازی بزه‌دیدگان در مدیریت آسیب‌های ناشی از بزه‌دیدگی، ایجاد امکان مداخله نهادهای حمایتی از پیشگیری از بزهکاری بزه‌دیدگان مکرر، جلوگیری از طرد اجتماعی ناشی از بزه‌دیدگی، جبران خسارت مالی به‌نحو واقعی و حمایت از کرامت انسانی بزه‌دیده در فرایند رسیدگی کیفری هستیم که متأسفانه در سیاست جنایی ایران به‌نحو جدی مورد توجه قرار نگرفته است. از این حیث تغییر توجه و تمرکز سیاستگذار جنایی بر پیشگیری از بزه‌دیدگی مکرر به‌جای پاسخ‌دهی کیفری محض به بزهکاری و تلقی آن به‌عنوان جبران خسارت بزه‌دیده لازم است که به رویکردی بزه‌دیده‌محور که در آن کودک نقش فعال‌تری را ایفا کند، توجه شود. به این طریق علاوه بر جبران خسارت مادی، روانی و معنوی بزه‌دیده به‌گونه‌ای در فرایند باز اجتماعی و قبول دوباره او در جامعه گام بردارد که این خود در راستای ترمیمی شدن عدالت کیفری است.

منابع

الف) فارسی

۱. اسلامی، رضا؛ میزان، سیده سارا (۱۳۹۴). «بردگی جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن در نظام بین‌المللی حقوق بشر و ایران»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ششم، ش اول، بهار و تابستان، ص ۲۶-۷.
۲. الن مک، رای، زهر، هوارد (۱۳۸۶). نشست‌های گروه‌های خانوادگی، چ اول، تهران: مجد.
۳. بازگیر، یدالله (۱۳۷۸). قانون مجازات اسلامی «در آیین آراء دیوان عالی کشور (حدود- جرائم خلاف اخلاق حسنه)» نشر هستان، چ اول.
۴. بکاریا، سزار (۱۳۸۵). رساله جرائم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران: میزان.
۵. بیگی، جمال (۱۳۸۴). بزهدیدگی اطفال در حقوق ایران، تهران: میزان.
۶. خالقی، علی (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری، ج ۲، چ بیست‌وهفتم، انتشارات شهر دانش.
۷. خاک، روناک (۱۳۸۷). «جرم‌انگاری خشونت جنسی در حقوق بین‌الملل کیفری»، مجله حقوق بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، سال بیست‌وپنجم، ش ۳۹، ص ۱۴۶-۱۰۱.
۸. خوشایبی، کنایون (۱۳۸۲). «گزارش یک مورد سوء استفاده جنسی»، فصلنامه رفاہ اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ش هفتم، ص ۱۳۹-۱۳۱.
۹. خنجی، امیرحسین (۱۳۹۲). تاریخ ایران زمین، فایل الکترونیکی کتاب در: وبگاه تاریخ و فرهنگ ایران زمین، نسخه پنجم.
۱۰. دفتر مطالعات سیاسی و اجتماعی (۱۳۷۷). «گندوکاوی در ماهیت و کارکرد دیوان بین‌المللی کیفری: ظهور اولین نهاد جزایی در عرصه بین‌الملل»، مجله مجلس و پژوهش، ش ۲۶، بهمن و اسفند، ۱۷۳-۱۶۱.
۱۱. دادستان، پریخ (۱۳۸۹). روان‌شناسی جنایی، چ هشتم، تهران: سمت.
۱۲. دلماس، مارتی (۱۳۹۳). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، چ دوم، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه، چ دوم، ج ۶، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۴. رونچی، ژان فرانسوا؛ کورتن، کریستین (۱۳۹۵). حقوق کیفری کودکان و نوجوانان، ترجمه و تحقیق: بهزاد رضوی فرد و خدیجه بهشتی، تهران: میزان، چ اول.
۱۵. زینالی، امیرحمزه (۱۳۹۲). «فرایند و سازوکارهای انعکاس و دریافت اصل حمایت ویژه از کودکان در حقوق کیفری» در مجموعه مقالات انتشار یافته در دایره‌المعارف علوم جنایی، تهران: میزان، چ نخست، ص ۱۰۱۳-۹۹۴.
۱۶. ----- (۱۳۹۵). «گزارش بزهدیدگی کودکان»، در مجموعه مقالات همایش ملی سیاست کیفری ایران در قبال بزهدیدگی و بزهدیدگی کودکان و نوجوانان ۲۴ بهمن‌ماه ۱۳۹۲- کرمان، بنیاد حقوقی میزان، چ اول، ص ۱۱۳-۹۰.
۱۷. ----- (۱۳۸۳). جهانی شدن حقوق کیفری در قلمرو حمایت از کودکان در برابر بزهدیدگی و موانع و مقتضیات حقوق ایران، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۸. زهر، هوارد (۱۳۸۸). عدالت ترمیمی «کوچک»، چ دوم، ترجمه حسین غلامی، تهران: مجد.
۱۹. سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین (۱۳۷۱). کلیات سعدی، تصحیح: محمدعلی فروغی، انتشارات نشر طلوع، چ هفتم.
۲۰. شاکری، ابوالحسن؛ عمویی سیف‌کتی، ناهید (۱۳۹۵). «سیاست کیفری ایران در قبال حمایت بزهدیدگی کودکان و نوجوانان با محوریت جرائم جنسی»، در مجموعه مقالات همایش ملی سیاست کیفری ایران در قبال بزهدیدگی کودکان و نوجوانان ۲۴ بهمن‌ماه ۱۳۹۲- کرمان، بنیاد حقوقی میزان، چ اول، ص ۲۰۹-۱۹۷.
۲۱. شاهیده، فرهاد (۱۳۹۳). بزهدیده‌شناسی «نقش بزهدیده در ارتکاب جرم و تعیین کیفر»، چ اول، تهران: مجد.
۲۲. شمیسا، سیروس (۱۳۸۱). شاهدبازی در ادبیات فارسی، چ اول، تهران: فردوس.
۲۳. ضیاء‌الدینی، حسین؛ خردمند، علی؛ افشار، نوح (۱۳۸۷). «گزارش یک مورد یادگارخواهی و پدوفیلی به همراه اختلال وسواسی جبری»، مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی، سال دهم، ش ۲، ص ۱۶۰-۱۵۷.
۲۴. عباچی، مریم (۱۳۸۳). «پیشگیری از بزهدیدگی اطفال»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۴۷، ص ۸۶-۴۹.
۲۵. ----- (۱۳۸۴). «رهنمودهای حقوق کیفری ماهوی در قبال کودکان بزهدیده»، مجله حقوقی دادگستری، پاییز و زمستان، ش ۵۲ و ۵۳، ص ۲۰۴-۱۶۹.
۲۶. عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه؛ حسابی، ساره (۱۳۹۰). «سیاست جنایی و تطور مفهوم آن»، مجله تعالی حقوق، سال چهارم، ش پانزدهم، بهمن و اسفندماه، ص ۱۳۴-۱۱۳.

۲۷. علامه، غلامحیدر (۱۳۸۵). جنایت علیه بشریت در حقوق بین‌الملل کیفری، چ اول، تهران: میزان.
۲۸. غلامی، حسین (۱۳۹۵). عدالت ترمیمی، چ پنجم، تهران: سمت.
۲۹. ----- (۱۳۹۰). «درآمدی بر آسیب‌شناسی سیاستگذاری جنایی در قبال پیشگیری از تکرار بزهکاری و بزه‌دیدگی در ایران»، *آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، دوره جدید، ش اول، ص ۱۸ - ۳.
۳۰. فرجی، احسان (۱۳۸۹-۱۳۹۰). *سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرائم جنسی علیه زنان و کودکان با نگرش به کنوانسیون‌های بین‌المللی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
۳۱. قیاسی، جلال‌الدین؛ نیک نسب، عباسعلی (۱۳۹۵). «بزه تجاوز جنسی در حقوق کیفری انگلستان در مقایسه با نظام حقوقی ایران»، *تعالی حقوق*، سال هشتم، ش ۱۴، ص ۷۸۵۹ - ۱۵۹.
۳۲. کاتالینا. ماراتا؛ لیندمن، لیندا (۱۳۸۹). «زدواج، کودک‌آزاری و بزه‌دیدگی جنسی ثانویه»، *کارگری نوروژ، نشریه فقه و حقوق*، سال چهارم، ش ۱۵ زمستان، ص ۱۹۵ - ۱۷۳.
۳۳. کلاتری، کیومرث؛ نصراللهی، ابودر (۱۳۹۵). «ضرورت وجود یک سیاست جنایی افتراقی در قبال کودکان و نوجوانان بزه دیده»، *در مجموعه مقالات همایش ملی سیاست کیفری ایران در قبال بزه‌کاری و بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان ۲۴ بهمن‌ماه ۱۳۹۲ - کرمان، تهران: میزان، چ اول، ص ۱۹۶ - ۱۶۸.*
۳۴. لازرژ، کریستین (۱۳۹۰). *درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی*، چ دوم، تهران: میزان.
۳۵. *مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری) (۱۳۹۳)*. ناشر: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، چ دوم.
۳۶. معاونت آموزشی قوه قضاییه (۱۳۸۷). *رویه قضایی ایران در ارتباط با دادگاه کیفری استان*، چ ۲، تهران: جنگل، چ نخست.
۳۷. معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه (۱۳۸۹). *مسائل قضایی هرزه‌نگاری در محیط سایبر*، چ اول، تهران: راه‌نویس.
۳۸. مولانا، جلال‌الدین بلخی (۱۳۷۴). *مثنوی معنوی چ هفتم*، انتشارات علمی و نشر علم.
۳۹. مهرا، نسرتین (۱۳۸۳). «ترمیمی شدن عدالت کیفری صغار در انگلستان و ولز»، *مجموعه مقالات علوم جنایی در تجلیل استاد آشوری، تهران: سمت، ص ۱۷۸ - ۱۵۹.*
۴۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۴). *سیاست جنایی در: علوم جنایی-گزیده مقالات آموزش برای ارتقاء دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران- کمیته معاضدت قضایی ستاد مبارزه با مواد مخدر و دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، ج ۲، چ اول، قم: انتشارات سلسبیل.*
۴۱. ----- (۱۳۸۲). «بررسی حقوقی، جرم‌شناسی اطفال و نوجوانان»، *فصلنامه آراء نشریه داخلی دادگستری استان اصفهان*، سال سوم، ش ۷ و ۸، ص ۸۲ - ۹.
۴۲. ----- (۱۳۹۱). *مباحثی در علوم جنایی «تقریرات»*، به کوشش: شهرام ابراهیمی.
۴۳. ----- (۱۳۸۹). *تقریرات جرم‌شناسی*، به کوشش: بهروز جوان‌مرد.
۴۴. نوری، رضا (۱۳۷۹). «پدوفیلی در حقوق جزای اسلام و حقوق بین‌الملل»، *ماهنامه دادگستر*، ش ۳، ص ۲۶ - ۲۸.
۴۵. نوبهاری، علی‌رضا (۱۳۹۳). *تعرضات جنسی در نظام کیفری ایران و انگلستان*، چ اول، مجد.

ب) خارجی

46. Sadock B. sadock v. kaplan and sadock's synopsis of psychiatry. 10th ed. philadelphia: lippincott williams and wilkins; 2007:705-717
47. International criminal justice and children 'no peace without justice UNICEF innocenti research centre' September 2002.
48. Policy on children 'international criminal court 'November 2016
49. Morten Bergsma' (2012). 'thematic prosecution of international sex crimes' torkelopsahl academic publisher Beijing
50. The Allied Control Council available at:
<http://www.google.com/url?q=http://www.warhistoryfans.com/theallied-control-council-151.html&sa=U&ved=0ahUKEWjk-Mvn-HUAhXhalAKHbpvC7AQFggNMAg&usg=AFQjCNGsq350ygh5pEtVIALCnguDfmGIRQ>. Last visited on June 3d' 2017.
۵۱. پرونده خون‌های آلوده قابل دسترس است در:
<https://www.khabaronline.ir/detail/320119/society/health>. Last visited on March 3d' 2018

۵۲. دستور وزیر آموزش و پرورش برای رسیدگی به رخداد سوء استفاده از دانش‌آموزان، قابل دسترس است در:
<https://www.isna.ir/news/97030803934/>. Last visited on June 10d' 2018
۵۳. واقعه تجاوز به دختر بچه افغانی، قابل دسترس است در:
<http://fa.euronews.com/۰۲/۰۶/۲۰۱۸-/iranian-authorities-confirmed-afghan-girl-abuse-in-homeini-shahr-isfahan>. Last visited on June 9d' 2018

